



داستان‌های داوطلبانه

<div><div></div>به جست‌وجوی کار آفرینان اجتماعی (۲)</div>
<div><div></div>سعیداصغر زاده</div>

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

سعید اصغر زاده

شاید در مورد شخصیت سازمان‌های

غیردولتی اتفاق نظری وجود نداشته باشد، برخی قایل به شخصیت حقوقی برای سازمان‌های غیردولتی هستند و برخی شخصیت حقوقی آنها را نفی می‌کنند و بالاخره برخی اعطای شخصیت به این سازمان‌ها را منوط به عملکرد آنها می‌دانند. اما باید دید در ایران قانون چه می‌گوید و آیا نیاز به تفسیر دارد یا خیر؟ اما پیش از آن باید نگاهی داشته‌باشیم به آنچه در جهان وجود دارد.

الف) شخصیت حقوقی داخلی سازمان‌های غیردولتی:

نظر به این‌که سازمان‌های غیردولتی اعم از داخلی‌وبین‌المللی براساس قوانین داخلی دولت‌ها به‌وجود می‌آیند لذا واضع حقوقی آنها نیز از دولتی به‌دولت دیگر متفاوت است. دولت‌ها اغلب برای اعطای شخصیت حقوق داخلی به سازمان‌های غیردولتی مسأله ثبت آنها یا صدور مجوز از سوی سازمان‌های ذی‌صلاح را مطرح می‌کنند درحالی‌که برخی صرف انعقاد قرارداد برای اعضای مؤسس را برای اعطای شخصیت حقوقی داخلی کافی می‌دانند. در مورد اول می‌توان از مقررات فرانسه و ایران یاد کرد، قانون تجارت ایران داراشدن شخصیت حقوقی برای موسسات غیرتجارتی را منوط به ثبت آنها در دفتر مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد نموده‌است.

آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجارتی نیز در ماده۵ خود پیش‌بینی کرده‌است که این‌گونه موسسات باید اظهارنامه‌ای حاوی اسم، اقامتگاه، تابعیت، موضوع مؤسسه، مرکز، شعب و همچنین نام و شهرت و اقامتگاه اشخاصی را که برای اداره موسسات و تشکیلات تعیین شده‌اند تهیه کرده و پس از کسب اجازه‌نامه از شهرداری به اداره ثبت شرکت‌ها در تهران یا به اداره ثبت مراکز اصلی در شهرستان‌ها تسلیم کند. در صورتی که موسسات خارجی باشند اداره ثبت شرکت‌ها تقاضای ثبت آنها را با ذکر خصوصیات به وزارت امور خارجه اعلام و پس از موافقت آن وزارت‌خانه طبق مقررات اقدام به ثبت آنها خواهد کرد.

در مورد دوم قانون نسوینس نمونه بارزی است که طبق ماده ۶۰ قانون این کشور سازمان‌های غیردولتی الزامی به کسب مجوز و نظارت مقامات عمومی ندارند و به محض این‌که تأسیس شوند (اساننامه آنها تصویب شود) دارای شخصیت حقوقی شده و می‌توانند از حقوق مدنی بر‌خوردار شوند.

ب) شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی:

در زمینه شناخت شخصیت حقوقی بین‌المللی

برای سازمان‌های غیردولتی تلاش‌های زیادی در سطح جهانی شده‌است. این تلاش‌ها از اوایل دهه دوم قرن بیستم آغاز و تا اوایل دهه ۶۰ همنام قرن ادامه‌داشت بدون این‌که به نتیجه‌ای منجر شود.

برعکس در سطح منطقه‌ای حاصل تلاش‌های شورای اروپا به ثمر نشست و در ۱۹۸۶ معاهده‌ای توسط این نهاد در استراسبورگ تحت‌عنوان کنوانسیون اروپایی در مورد شناخت شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی منعقد شد. این کنوانسیون در ماده ۲ بند یک خود اشعار می‌دارد:

«شخصیت و اهلیت حقوقی یک سازمان غیردولتی به‌شکلی که در دولت ثبت‌کننده متعاهد به این کنوانسیون شناخته شده‌است به‌طور کامل از نسوی سایر متعاهدین پذیرفته می‌شود.»

بنابراین سازمان‌های غیردولتی برای برخوردار شدن از حقوق کامل ناشی از شخصیت و اهلیت حقوقی در دیگر کشورهای متعاهد نیاز به رعایت هیچ‌گونه آیینی ندارد، مقررات این کنوانسیون فقط در مورد دولت‌های عضو شورای اروپا که آن را تصویب کرده‌اند یا خواهند کرد لازم‌الاجرامی باشد.

اگر چه در برخی از اسناد الزام‌آور اخیر بین‌المللی از جمله برخی قطعنامه‌های شورای امنیت که بر اساس فصل هفتم منشور صادر شده‌اند به سازمان‌های غیردولتی اشاره شده‌است و آنها را طرف حق و تکلیف قرار داده‌اند و بر برخی به استناد همین اسناد برای این سازمان‌ها قایل به نوعی

شخصیت حقوقی بین‌المللی شده‌اند و آنها را در زمره تابعان حقوق بین‌الملل عمومی قرار می‌دهند اما برای رفع هرگونه شبهه، به‌نظر می‌رسد که بهترین راه‌حل برای معضل شخصیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی در سطح بین‌الملل انعقاد یک کنوانسیون بین‌المللی و فراگیر می‌باشد.

وضعیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی

در ایران

سازمان مردم‌نهاد تشکلی است که توسط گروهی از اشخاص حقیقی و یا حقوقی غیردولتی به‌صورت داوطلبانه تأسیس شده و غیرانتفاعی، غیرسیاسی و عضوپذیری باشد.

منظور از غیرسیاسی یعنی عدم ورود به هر شکل و به هر شیوه به چرخه کسب‌قدرت سیاسی و عدم وابستگی به‌شکل‌های سیاسی و احزاب. غیرانتفاعی نیز عبارت است از عدم فعالیت‌های تجاری و صنفی، همچنین عدم انجام سایر فعالیت‌هایی که به منظور تقسیم منافع بین اعضا، مؤسسان، مدیران و کارکنان سازمان باشد.

داوطلبانه یعنی مشارکت در تأسیس و اداره «سازمان» براساس اراده آزاد اشخاص بدون الزام قانونی یا قضایی.

عضوپذیری نیز به مفهوم پذیرش عضویت کلیه متقاضیان واجدالشرايط «سازمان» به نحوی که از حقوق مشابه‌بر خودرأی می‌باشند.

ردومرز

مشکلات حقوقی ای که سازمان‌های غیردولتی با آن مواجه هستند بسیار است و گوناگون، بخشی از آنها مربوط به عدم آگاهی آنها از حق و حقوقشان است و بخشی هم به دلیل نبود سازوکار مناسب حقوقی برای حمایت از این موسسات، چند وقت پیش نامه‌ای از یکی از کودکان کار به دستمان رسید به این شرح:

به نام خدا

من در بستنی فروشی کار می‌کردم تا کار بستنی را یاد بگیرم. تلاش کردم تا کار بستنی فروشی را یاد گرفتم، حدود ۹ ماه کار کردم ولی در آخر آنها مرا به دزدی گرفتن، ولی تا الان به من زور می‌گویند، به من می‌گویند تو وارد دوزم می‌کنیم و همچنین خانواده تو را رد و مرمز می‌کنیم، من از این کار آنها خوشم نیامد، از کار بستنی فروشی بیرون آمدم ولی الان در کار میل کار می‌کنم و راضی هستم، کوشش می‌کنم تا کار میل را یاد بگیرم.

زمانی که بیشتر پیگیری کردم و به هر کزی که از این کودک حمایت می‌کند مراجعه کردم، داستان کامل را از زبان این کودک شنیدیم؛ صاحب مغازه‌ای که این کودک در آن کار می‌کرده، بعد از ۹ ماه کار کشیدن از او و عدم پرداخت چندماه از حقوقش به او ته‌موت دزدی می‌زند و به همین بهانه او را اخراج می‌کند، زمانی که با این کودک صحبت می‌کردیم به شدت عصبانی بود و می‌گفت پیش صاحب کارش رفته و گفته شکایت خواهد کرد و صاحب کار در جواب تهدید کرده، در صورت شکایت کودک او و خانواده‌اش، که به‌صورت غیرقانونی در ایران اقامت دارند، را معرفی می‌کند تا از کشور اخراج شوند.

درآور تر از همه شاید عدم توانایی این کودک برای گرفتن حقتش باشد، نه او می‌تواند شکایت کند و نه موسسه‌ای که از او حمایت می‌کند اطلاعاتی در این زمینه دارد، تا بتواند مشکلات حقوقی این کودکان کم‌سن‌وسال را پیگیری قضایی کند.

شخصیت حقوقی سازمان‌های غیر دولتی در هاله‌ای از ابهام

فرآیند تقاضای صدور پروانه بدین صورت است که کمیسیون بررسی تقاضای صدور مجوز و پروانه فعالیت که تحت‌عنوان «کمیسیون ماده ۲» در سطح شهرستان، استان و کشور تشکیل می‌شود نسبت به صدور پروانه فعالیت اقدام خواهد کرد. دبیرخانه این کمیسیون در سطح ملی، استان و شهرستان به ترتیب در وزارت کشور، استانداری و فرمانداری تشکیل می‌شود. صدور پروانه فعالیت برای «سازمان‌های فرا استانی، ملی یا بین‌المللی کمیسیون ماده ۲ ملی» خواهد بود. هر یک از این کمیسیون‌های ماده به‌منظور بررسی و نظارت بر حسن اجرای آیین‌نامه و عملکرد و تحقیقات

مقدماتی در خصوص سازمان‌هایی که در محدوده تشکیل می‌دهند، اصل ۲۶ قانون اساسی تصریح دارد: «حزب‌ها، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده از آندند مشروط به این‌که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند.»

اصل ۲۷ نیز آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح به شرط آن‌ که مخل به مبانی اسلام نباشد تأکید کرده‌است. در ارتباط با تفسیر اصول مزبور دو دیدگاه بایستی مورد توجه قرار گیرد:

۱. بنا به تصریح و منطبق قانون اساسی جمعیت‌ها و انجمن‌ها (شش‌مول اصل سازمان‌های غیردولتی را نیز در بر خواهد گرفت)، در انجام فعالیت خود مشروط به قیود خاص آزادند، نظارت بر رعایت اصول مزبور و تأمین شرایط مقرر نوعی نظارت نیستی است که پس از تأسیس و ایجاد سازمان‌های غیردولتی از سوی دولت اعمال می‌شود و قانون اساسی تصریحی به نظارت پیشینی ندارد فلذا در خصوص تأسیس و فعالیت این نوع سازمان‌ها نیازی به اخذ مجوز نیست و دولت تنها نظارت می‌کند تا سازمان‌های غیردولتی شرایط مقرر در اصل ۲۶ و ۲۷ را نقض نکنند.

۲. اگر چه قانون اساسی تصریحی به نظارت پیشینی ندارد ولی شرط رعایت اصول مزبور مستلزم احراز صلاحیت سازمان غیردولتی و انجمن‌ها می‌باشد بنابراین لازم است قبل از تأسیس و فعالیت نسبت به اخذ مجوز اقدام شود.

در ارتباط با شخصیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی باید گفت نظر به این‌که این سازمان‌ها موسسات و تشکیلات غیردولتی محسوب می‌شوند، مستنداً به مواد ۵۸۶-۵۸۴ قانون تجارت از تاریخ ثبت در دفتر مخصوص واجد شخصیت حقوقی می‌شوند، با این حال در خصوص نظارت بر فعالیت آنها قانون ثبت شرکت‌ها فاقد سازوکار لازم می‌باشد و اباطل مجوز از سوی ثبت شرکت‌ها ممکن نیست بلکه قانون ابطل مجوز را به تصمیم قضایی موکول کرده‌است.

در بچه

ریسک بالای کار داوطلبانه حقوقی

<div><div></div>پیمان حاج‌محمود عطار</div>
<div><div></div>وکیل‌دادگستری</div>

کارهای داوطلبانه در زندگی روزمره به همه کارهایی گفته می‌شود که در آن یک بده‌بستانی است که در قبال آن یکی از طرفین چشمداشتی ندارد.

برای مثال شما می‌توانید به همسایه مجاورتان کسی توجه کنید، مهمان‌نسی سسر زده دار، اما آذوقه‌ای برای پذیرایی در خانه ندارد، اگر شما آموخته‌ای از فرهنگ داوطلبانه داشته باشید، می‌توانید با کمی کمک آبروی همسایه خود را حفظ کنید، که این خود یک کار انسان‌دوستانه است. کارهای خیر خواهانه به‌حدی گسترده است که تمامی انسان‌ها با هر وضع مالی و هر حد و حدودی می‌توانند داوطلب انجام آن باشند مثلا کمک برای گذشتن از خیابان یا مثال خارجی آن پادشاه سوئد است، در پخشنامه‌ای به شهروندان اعلام می‌کند در یک روز خاص همه شهروندان باید زباله‌ها را جمع‌آوری کنند، زمانی‌که دلیل این موضوع را از پادشاه می‌پرسند او جواب می‌دهد «این فرهنگ‌سازی یا به‌وجود آوردن یک فرهنگ داوطلبانه در شهر است به‌این دلیل که مردم نسبت به شهرشان تعصب داشته باشند و اجازه تولید زباله‌های بیشتر را ندهند»، اما متأسفانه در جامعه و شهر ما از سوی نهادهای حکومتی هیچ‌گونه تشویق یا ترویجی برای کارهای داوطلبانه دیده‌نمی‌شود.

من به‌عنوان یک شهروند باید برای جامعه‌ام فعالیت‌هایی را انجام دهم، کوچکترین فعالیت داوطلبانه از سوی یک شهروند می‌تواند هنگام استفاده از وسیله نقلیه عمومی باشد، اغلب دیده‌ام که در اتوبوس و مترو شهروندان کهنسالی هستند که ایستادند در صورتی که توان ایستادن ندارند، پس من به‌عنوان یک داوطلب یا شهروند معمولی، کوچکترین کاری که می‌توانم بکنم این است که جایم را به آن سالمند بدهم، یا این‌که خیلی ساده‌تر تا حالا شده به نانویی‌ها برود و ببینید کسانی هستند که توانایی ایستادن در صف را ندارند، در این زمان کار کی که می‌توان کرد، دادن جایمان به آن فراداست.

اما نوبت به خود می‌رسد و شرایط کاری‌ای که دارم، در هر فردی در جامعه نسبت به توانایی‌های خود می‌تواند رفتار داوطلبانه را به‌جا آورد. عموماً در تعامل بین بستگان و روابط روزمره کاری، با مراجعه به محل‌های عمومی یا شهرداری یا وزارت دارایی، افرادی را می‌بینم که در کارشان مشکلات حقوقی به‌وجود آمده‌است، از آنجایی‌که من دانش آموخته رشته حقوق و وکیل دادگستری هستم، سعی می‌کنم بدون هیچ چشمداشتی به‌ارباب‌رغوع‌های موردنظر کمک کنم و آنها را از باندستن حق و حقوق شان، آگاه سازم. یا به صورت داوطلبانه اعلام کنم و کالت موکلینی را که پول ندارند برعهده می‌گیرم این کوچکترین فعالیت داوطلبانه‌ای است که من می‌توانم متناسب با بضاعتی که دارم انجام دهم.

اما موضوع مهم‌تر این است که چرا حوزه حقوق و به‌خصوص وکلای دادگستری در صف‌های فرهنگی واجتماعی جامعه دیده‌نمی‌شوند این‌که چرا در ایران هیچ سازمان مردم‌نهادی که در آن وکلاد حقوق‌دانان فعالیت‌های داوطلبانه انجام‌دهند وجود ندارد؟ این بی‌تفاوتی که امروز بین وکلای دادگستری در نگاه‌شان به مشکلات مردم به‌وجود آمده‌است را می‌توان از چندین جهت مورد نقد و بررسی قرار داد و وکلای دادگستری را به سه دسته دسته‌بندی کرد:

دسته اول مهم‌ترین دلیل عدم‌خورشان شرایط بد اقتصادی است، این گروه به دلیل مشکلات مالی، توانایی انجام کارهای خارج از برنامه روزمره‌شان را ندارند.

دسته دوم به دلیل مشکلات امنیتی سراغ کمک به سمن‌ها نمی‌روند، از آنجایی‌که سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران به‌سودی خود زیر ذره‌بین هستند اگر شما بخواهید چند وکیل یا حقوقدان را در یک سازمان مردم‌نهاد جمع کنید در جان آن سازمان را متلاشی کرده‌اید. یکی از مهم‌ترین مشکل ما حقوقدانان در کشور عدم امنیت و پیش‌رفته‌است که حتی اگر وکیل قضای حاکمیت دانش‌جویان، روزنامه‌نگاران یا کارگران را داشته باشد، در همان قدم اول از این کار پشیمان می‌شود. متأسفانه رفتارهای نامناسبی با وکلا می‌شود خصوصا با وکلایی که از موضع خود عقب‌نشینی نمی‌کنند

دسته سوم آن گروه از وکلا هستند که تنها به دنبال سود خود هستند، متأسفانه این روزها از دو قشر به بدی یاد می‌شود یکی حقوقدان‌ها و دیگری بزشکان. گفته می‌شود اگر امروز شما با جیب خالی نزد این دسته از بزشکان یا وکلایبرود امکان ندارد که کار شما را راه بیندازند و شما به نتیجه‌ای برسید در صورت صحت این مدعا می‌توان گفت دلپلش چیزی جز تحمل گرابی یا دنیاطلبی نیست!

پس این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که وقتی وکلای تأمین نیازهای اولیه خود عاجزند هیچ نمی‌توانند سازمان مردم‌نهاد تشکیل دهند و هیچ زمانی هم نمی‌توانند گروه‌از مشکلات سازمان‌های مردم‌نهاد باز کنند. همچنین نگاه امنیتی از جانب بعضی نهادهادست وکلایرأی کمک به مردم در بعضی از موارد بسته است، و در نهایت دغدغه‌های مالی بعضی از وکلا باعث می‌شود هیچ کاری را بدون مزد انجام ندهند.